

Investigating the relationship between rent economy and political development

Reza Parizad¹
Sahar Sajjadian²

Abstract

The phenomenon of rent and rentier government or educated government, especially with the introduction of oil as a factor in the creation of rentier governments, came to the attention of researchers and thinkers in the field of politics and society. Rent was used. Overall, these theories argue that reliance on windfall revenues from rents, especially oil rents, has many negative consequences for government-building, government-society relations, and ultimately for the country's political development. Rental government theorists also state that such conditions exacerbate the spirit of rent-seeking and consumerism in society, weaken the nature of government representation, change social stratification, and turn the government into a distributor of rents. In this article, by analyzing the works of rentier government theorists, he will discuss the effects of this type of economy on political development. The main purpose of this article is to answer the question: What is the role of governments' reliance on oil revenues (rent economy) in the process of political development? To answer this question with a political economy approach, it was finally hypothesized that reliance on oil revenues would impede political development. The research method is descriptive-analytical and is based on the collection of libraries.

Keywords: rent economy, rentier, educated government, political development, oil

¹ Assistant Professor of International Relations, Islamic Azad University, Qom Branch, Iran.

R_Parizad@yahoo.com

² PhD student in International Relations, Islamic Azad University, Qom Branch. Iran.

Sajjadian.sahar@yahoo.com

بررسی رابطه اقتصاد رانتی و توسعه سیاسی

رضا پرزاد^۱

سحر سجادیان^۲

چکیده

پدیده رانت و دولت رانتیر یا دولت تحصیل‌دار به‌ویژه با مطرح‌شدن نفت به‌عنوان عامل ایجاد دولت‌های رانتیر مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان حوزه سیاست و جامعه قرار گرفت و در پی آن نظریات دولت و اقتصاد رانتی برای تبیین و توجیه فقدان توسعه‌یافتگی سیاسی و اقتصادی در کشورهای متکی به درآمد حاصل از رانت مورد استفاده قرار گرفت. این نظریات در مجموع چنین استدلال می‌کنند که اتکا به درآمدهای بادآورده حاصل از رانت و به‌ویژه رانت نفتی موجب می‌شود تا این موضوع برساخت دولت، روابط دولت و جامعه و در نهایتاً بر توسعه سیاسی کشور پیامدهای منفی بسیاری داشته باشد. نظریه‌پردازان دولت رانت همچنین تصریح می‌کنند، چنین شرایطی موجب می‌شود تا روحیه رانت جویی و مصرف‌گرایی در جامعه تشدید، ماهیت نمایندگی دولت تضعیف، قشر بندی اجتماعی تغییر و دولت به توزیع‌کننده رانت تبدیل شود. در این مقاله با تجزیه و تحلیل آثار نظریه‌پردازان دولت رانتیر به تأثیرات این نوع از اقتصاد بر توسعه سیاسی خواهد پرداخت. هدف اصلی مقاله حاضر پاسخ به این پرسش است که اتکا دولت‌ها به درآمدهای نفتی (اقتصاد رانتی) در فرایند توسعه سیاسی چه نقشی دارد؟ برای پاسخ به این پرسش با رویکرد اقتصاد سیاسی، نهایتاً این فرضیه، مطرح شد که اتکا به درآمدهای نفتی مانع دستیابی به توسعه سیاسی می‌شود. روش تحقیق توصیفی تحلیلی بوده و بر اساس گردآوری کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلیدواژه‌گان: اقتصاد رانتی، رانتیر، دولت تحصیل‌دار، توسعه سیاسی، نفت

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران (نویسنده مسئول)

R_Parizad@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری، گرایش مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

مقدمه

تأمل در باب توسعه و نقش دولت‌ها در آن همیشه مورد دغدغه‌ی متفکران و سیاستمداران بخصوص در کشورهای توسعه‌نیافته و جهان سوم بوده است و در چند دهه‌ی اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران و نخبگان فکری کشورهای جهان سوم را عمیقاً به خود جلب کرده و در کانون علایق فکری اندیشمندان علوم اجتماعی و علوم سیاسی آن کشورها قرار گرفته است چراکه در این‌گونه کشورها فرآیند توسعه و توسعه‌نیافتگی، چالش اصلی جامعه است و همه‌ی وقایع و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصاد موجود، خواه‌ناخواه تحت تأثیر آن قرار دارند (غفاری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۸). وجود دولت و تأثیر آن در همه‌ی دوره‌های تاریخی برای حفظ امنیت و در دوره‌های جدید برای پیشرفت و توسعه‌ی کشورها یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود، اما در کشورهای توسعه‌نیافته دولت به‌عنوان یک عنصر بسیار مؤثر نقش حیاتی بازی می‌کند. به‌رغم رشد جامعه‌ی مدنی و نهادهای واسط در حوزه عمومی و گسترش مؤثر بخش خصوصی به نسبت دوران گذشته، میزان تأثیر دولت در فرآیند توسعه بیشتر از دوره‌ی تاریخی که غرب در محدودیت حوزه عمومی و مدنی قرار داشت، عمل می‌کند. از این‌رو بخشی از بی‌ثباتی و توسعه‌نیافتگی در کشورهای درحال توسعه به دولت‌ها و عدم ایفای نقش‌های مؤثر آن‌ها بازمی‌گردد (شوشتری، ۱۳۸۸: ۴). از آنجا که توسعه سیاسی به معنای توسعه‌ی مشارکت و رقابت سیاسی است و علیرغم همه‌ی چالش‌ها و مشکلات فراوان، به‌عنوان یک هدف بزرگ سیاسی سال‌ها در نقاط مختلف از جهان به ثمر نشسته، ولی هنوز اغلب کشورهای جهان سوم از داشتن آن محروم هستند و برعکس آن به‌جای توسعه‌ی سیاسی با انواع و سطوح مختلف عدم توسعه‌نیافتگی و عدم استواری سیاسی دسته و پنجه نرم می‌کنند (آبراهامیان، ۲۰۰۰: ۳۸۲-۲۱۴).

یکی از ویژگی‌های بارز اقتصاد وابسته به درآمدهای حاصل از صادرات منابع نفتی و گازی این است که این درآمدها به علت اختلاف چشمگیر قیمت بازاری و هزینه استخراج که بیش از ۹۰ درصد است، نوعی رانت محسوب می‌شوند (ر.ک مهدی لو، ۱۳۹۴). دولتی

که بخش اعظمی از درآمدش از رانت به دست می‌آید، دولت رانتیر نام دارد. چهار ویژگی هر اقتصاد رانتی عبارت‌اند از: ۱. رانت درآمد غالب دولت است؛ ۲. فعالیت اقتصادی ایجادکننده رانت تنها از بخش اندکی از نیروی کار استفاده می‌کند؛ درحالی‌که بیشتر آن به توزیع و به‌کارگیری رانت مشغول‌اند؛ ۳. رانت منبع خارجی درآمد است؛ ۴. دولت بزرگ‌ترین دریافت‌کننده رانت است (شریف زادگان و قانونی، ۱۳۹۶: ۲). پایه شکل‌گیری و تعریف دولت رانتیر، اقتصاد است؛ ولی چنین دولتی در حوزه‌های مختلف، تأثیرات بسیاری بر جوامع و کشورها بر جای می‌گذارد. باوجودآنکه در کشورهای دارای اقتصاد رانتی و البته سایر کشورها، مقاله‌ها و کتاب‌های بسیاری این موضوع را بررسی کرده‌اند، خلأ مفهوم‌سازی نظری مشخص و دقیق از تأثیرات دولت در مطالعات مربوط به کشورهای نفتی، نقش چارچوب نهادی در شکل‌گیری یادگیری جمعی برجسته‌تر دانسته شده و به‌طورکلی با سه رویکرد نظری، هویت جمعی کوتاه‌نگری در فرایندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع این کشورها توضیح داده می‌شود.

اولین رویکرد نظری تبیین‌کننده پدیده کوتاه‌نگری با عنوان «توهم قدرت» صورت‌بندی مفهومی شده است. بر اساس آن، بر وجه فرهنگی مسئله کوتاه‌نگری تمرکز و تأکید بیشتری صورت می‌گیرد. مبنای این تأکید نیز استبداد ریشه‌دار در بخش مهمی از کشورهای نفتی و جایگاه برجسته صلاح‌دیدهای شخصی در سرنوشت این دسته از کشورها است. اگرچه این رویکرد، به اعتبار تمرکز بیش‌ازحد بر بنیان‌های روان‌شناختی حاکمان این کشورها در معرض انتقادات جدی نیز قرار داشته است، اما همچنان یکی از مؤلفه‌های مهم سرنوشت‌ساز در این کشورها را تبیین می‌کند. رویکرد نظری دوم، رانت جویی نام دارد و بر اساس آن توضیح داده می‌شود که چگونه در غیاب فضای رقابتی در بازارهای سیاست و اقتصاد این دسته از کشورها، رانت‌های ایجادشده عملاً کارکرد تخریب نهادهای تولید محور و بسط فضای فرصت‌طلبی و فساد را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. تبیین نظری سوم، حکمرانی بدنام دارد و در چارچوب آن توضیح داده می‌شود که چگونه

ساختار قدرت غیر پاسخگو به اشکال و شیوه‌های گوناگون کوتاه نگری را در کل جامعه مسلط می‌کند. بر نگاه بیلاوی و لوچپانی اقتصاد دولت‌های رانتیر بر پایه فروش منابع زیرزمینی (آستانه‌ی ۴۲ درصدی) است؛ این دولت‌ها دارای اقتصاد عموماً دولتی، تولید ناخالص داخلی محدود، جدایی رانت با تولیدات داخلی و تنها تعداد کمی از افراد درگیر تولید رانت هستند و اکثر افراد این جوامع دریافت‌کننده و توزیع‌کننده رانت می‌باشند؛ اما مسئله اینجاست که تاکنون اندیشمندان از تجمیع نظریه‌ها و یکپارچه کردن آن‌ها برای دستیابی به نظریه یا رویکردی مفهومی که به‌خوبی تبیین‌کننده تأثیرات دولت رانتیر باشد، غفلت ورزیده‌اند. حتی اگر در مواقعی نیز تلاشی برای دسته‌بندی و یکپارچه‌سازی مفاهیم نظری صورت گرفته، فقط به‌صورت ذهنی بوده و روش‌شناسی مشخصی را در بر نمی‌گرفته است. پرسش اصلی این پژوهش این است که اتکای دولت‌ها به درآمدهای نفتی (اقتصاد رانتی) در فرایند توسعه سیاسی چه نقشی دارد؟ برای پاسخ به این پرسش با رویکرد اقتصاد سیاسی، نهایتاً این فرضیه، مطرح شد که اتکا به درآمدهای نفتی مانع دستیابی به توسعه سیاسی می‌شود.

اهمیت و ضرورت پژوهش

تأثیرات دولت رانتیر به حوزه اقتصاد محدود نمی‌شود و در حوزه‌های مختلف سیاست، اجتماع، فرهنگ و حتی امور نظامی و امنیتی نیز به چشم می‌خورد. در بسیاری از مواقع نیز دستاوردهای یک حوزه بر حوزه دیگر تأثیر می‌گذارد و به همراه هم نتیجه نهایی را در حوزه سوم بر جای می‌گذارند. افزون‌بر آن، بسیاری از آثار با یکدیگر ارتباط دوسویه دارند برای مثال یکی از تأثیرات دولت رانتیر، افزایش رانت جویی است. افزایش رانت جویی نتایجی همچون کاهش جذابیت فعالیت‌های تولیدی و کارآفرینانه، بی‌اعتمادی به بخش عمومی، فساد و افزایش ناکارایی و ناکارآمدی بخش عمومی را به دنبال دارد. از سویی رانت جویی در اوضاع تمرکز قدرت و ثروت در بخش عمومی باعث نبود شفافیت، نبود رسانه‌های آزاد و سیالیت قوانین می‌شود که تمامی این‌ها از نتایج دولت رانتیر هستند.

درواقع شبکه تودرتو و گسترده‌ای از تأثیرات دولت رانتیر وجود دارد که ارتباطات مختلفی با یکدیگر دارند؛ بنابراین از آنجا که یکی از مشکلات عمده رانتی بودن اقتصاد است، تلاش برای کشف این روابط و دستیابی به نظریه یا نظریه‌هایی که از تأثیرات دولت رانتیر تبیین درستی به دست دهند، اهمیت بسیاری می‌یابد. تبیینی که برخلاف پژوهش‌های انجام‌شده تنها از یک منظر به تأثیرات دولت رانتیر توجه نکند و آن را از جنبه‌های مختلف و میان‌کنش آن جنبه‌ها بررسی کند.

پیشینه پژوهش

در مقاله "نفث و موانع توسعه یافتگی" (عیوضی، ۱۳۸۷) نگارنده ضمن تبیین ابعاد مختلف و تشریح وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دولت‌های رانتیر، ناکامی فرآیند توسعه نفت محور به‌عنوان مصداق بارز چنین دولت‌هایی نام‌برده است. وی معتقد است افزایش قیمت نفت طی سال‌های اخیر باعث رشد سطح توقعات مردم جامعه گردیده است، اما باید بدانیم که درآمدهای نفتی همانند شمشیر دو لبه عمل می‌کند که می‌تواند به نابودی اقتصادی بیانجامد، زیرا برداشت‌های بی‌حساب و کتاب از درآمدهای نفتی و تزریق آن به چرخه مالی در کشور و یا هزینه آن در کوتاه‌مدت می‌تواند آثار منفی داشته باشد و باعث افزایش نقدینگی و رشد تورم در اقتصاد کشور باشد که این عامل باعث نابودی و تضعیف بخش‌های دیگر اقتصادی همچون بخش صنعت و کشاورزی می‌گردد.

مهدی لو و همکاران (۱۳۹۴) تأثیر رانت جویی را بر رشد اقتصادی بررسی کرده و بین این دو متغیر، همبستگی منفی و معناداری را شناسایی کرده‌اند. بهبودی و همکاران (۱۳۹۰) رابطه وفور منابع و کیفیت نهادی را واکاوی کرده و این رابطه را منفی و معنادار گزارش کرده‌اند؛ همچنین اشاره کرده‌اند که وفور منابع با کاهش کیفیت نهادی، کاهش رشد اقتصادی را موجب می‌شود.

تئوری دولت‌های رانتیر مؤخر ماته گری (۲۰۱۱)، استاد مرکز مطالعات عرب و اسلام دانشگاه استرالیا در سال ۲۰۱۱ نیز به ارائه تئوری در مورد آینده دولت‌های رانتیر جهان عرب پرداخته است که در این مقاله می‌گوید که دولت رانتیر به دنبال توضیح تأثیرات پرداخت‌های رانت خارجی در روابط دولت‌ها و جامعه بوده که بیش از دو دهه مورد استفاده مفسران اقتصادی، سیاسی و جامعه‌شناسی کشورهای مختلف بخصوص کشورهای حوزه خلیج فارس قرار گرفت اما پس از دو دهه از ارائه این نظریه، کشورهای نفت‌خیز تغییرات عمده‌ای را در خود دیده‌اند، کشورهایی نظیر امارات متحده عربی، قطر و بحرین بسیار متفاوت‌تر از آنچه بودند امروز هستند و با رشد اقتصاد و تجارت آزاد، ورود فن‌آوری‌های جدید، سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی عظیم و تحولات اجتماعی و فرهنگی باعث ورود آن‌ها به توسعه گردیده است و در نتیجه نویسنده مقاله بر این باور است که باید بازنگری در تئوری دولت رانتیر شود و به همین دلیل وی از تئوری دولت رانتیر مؤخر نام می‌برد و طی آن شرایطی را نام می‌برد که دولت‌های رانتیر پس از گذر از یک شرایط توسعه‌نیافتگی به آگاهی‌هایی دست می‌یابند و به واسطه آن آگاهی‌ها به سمت توسعه حرکت می‌کنند و این همان چیزی است که امروزه در امارات، عربستان و قطر مشاهده می‌کنیم. تمامی پژوهش‌های ذکر شده تأثیرات دولت رانتیر را بررسی کرده‌اند؛ اما هیچ تلاشی نکرده‌اند به نظریه یا نظریه‌هایی دست یابند که با توجه به میان‌کنش اثرگذاری حوزه‌های مختلف، تأثیرات دولت رانتیر را تبیین کنند. تنها در برخی نمونه‌ها برای تحلیل تأثیرات مختلف دولت رانتیر تلاش‌های موردی و غیر روشمندی صورت گرفته است:

سلطانی (۱۳۹۱) تأثیرات دولت رانتیر را بر فرایند دولت‌ملت‌سازی در ایران به سه دسته عمده تقسیم می‌کند: ۱. ضعف طبقه متوسط؛ ۲. تضعیف ساختار اقتصادی؛ ۳. تقویت اقتدارگرایی سیاسی.

رنانی (۱۳۸۳) از سازوکارهای کاهش سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران به علت وابستگی به نفت، دسته‌بندی سه‌گانه‌ای را معرفی کرده است: تخریب دولت، تخریب نهادها و تخریب دموکراسی.

بخارایی و غریبی (۱۳۹۴) دریکی از محدود پژوهش‌هایی که مقالات مرتبط با دولت رانتیر را دست‌مایه خود قرار می‌دهند تا به تحلیلی از آن‌ها دست یابند، نظام اندیشگی اتصال دولت رانتیر با فساد اداری را بررسی کرده و معتقدند مقالات فارسی مربوط، واقعیت را به نفع بر ساخت‌های ذهنی خود تغییر می‌دهند.

تعریف رانت

«رانت» در لغت به معنی بهره‌ی مالکانه، کرایه و اجاره ارائه‌شده است و در واقع درآمدی است که از مواهب طبیعی به دست می‌آید و یا به تعبیری، رانت جویی فرایندی است که طی آن یک فرد، نهاد یا گروه صاحب اطلاعات، فرصت‌ها و امتیازهایی شود که دیگران از آن بی‌بهره‌اند و با تصاحب این فرصت‌ها به سرمایه‌های مالی و موقعیت‌های ممتاز سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دست یابند که در این مفهوم از رانت نوعی ارتکاب به فساد نهفته است و این استفاده آگاهانه از امتیازات ویژه که دیگران در شرایط مساوی از آن بهره‌ای ندارند، اغلب زائیده انحصار است و زمانی که در اقتصاد سیاسی در خصوص رانت بحث می‌شود منظور درآمدهایی است که برای دولت از منبع خارجی تأمین می‌گردد (طیبیان، ۱۳۸۴: ۷۴). «دیوید پیرس» در «لغتنامه اقتصاد مدرن» رانت را این‌گونه تعریف می‌کند: «رانت پرداختی است درازای یک فاکتور، بیشتر از آنچه که برای حفظ وضعیت کاربرد فعلی آن ضروری است» (بیلای و لوجیانی، ۱۳۸۶: ۶۷).

دولت‌های رانتیر دولتی‌هایی هستند که به‌صورت منظم مقادیر چشمگیری رانت خارجی دریافت می‌کنند. رانت‌های خارجی نیز چنین تعریف می‌شوند: «رانت‌هایی که افراد یا دولت‌های خارجی به افراد یا دولت‌های کشوری خاص می‌دهند» برای مثال درآمد ناشی از عبور کشتی‌ها از کانال سوئز رانت خارجی محسوب می‌شود. به همین صورت

درآمدهای نفتی در کشورهای صادرکننده نفت نیز رانت خارجی محسوب می‌شود. این درآمد هرگز با فرایندهای تولید اقتصاد داخلی آن‌ها ارتباط ندارد. دروندادهای اقتصاد داخلی در این کشورها، مگر در زمینه مواد خام، بسیار ناچیز است (مهدوی، ۱۹۷۰: ۴۲۸). از نمونه‌های درآمد رانتی، می‌توان به درآمدهای نفتی برای کشورهای صادرکننده نفت و یا درآمدهای که مصر به‌عنوان حق عبور کشتی‌ها از کانال سوئز کسب می‌کند اشاره کرد. از دیدگاه دیگر، رانت درآمد ناشی از اشتغال یا مالکیت یک حق نهادی است بدون آنکه مالک برای دریافت این درآمد کمکی به تولید اجتماعی کرده باشد به این معنا که کسب این حق نهادی تأثیری بر ظرفیت تولید اجتماعی ندارد. باید اذعان داشت که رانت درآمدی خارج از عرصه فعالیت‌های مولد اقتصادی است که به لحاظ مفهومی امکان سرایت به حوزه‌های دیگر را دارد و رانت جویی نیز عبارت است از جستجو برای دست یافتن به این درآمد مازاد (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۶۵).

رویکرد نظری پژوهش

امروزه مقوله توسعه سیاسی از مباحث مهم در بین نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران توسعه در محافل آکادمیک و بین‌المللی دنیا بخصوص در کشورهای درحال توسعه است. تاریخچه نظریه‌پردازی در باب توسعه سیاسی (دموکراسی) به یونان باستان بازمی‌گردد. فلاسفه یونان باستان همچون ارسطو، افلاطون و سقراط نسبت به دموکراسی نگاه منفی به‌نظام سیاسی دموکراسی داشتند و همواره این‌گونه نظام‌ها را موردنقد خود قرار می‌دادند. همین نگاه‌های منتقد و موافق در طول دوره‌های تاریخی مختلف باعث ماندگاری اندیشه دموکراسی گردید. پس از گذر از سده‌های میانه و پیدایش نظام‌های سیاسی نمایندگی باز سخن از مردم‌سالاری رونق گرفت و آراء و نظریات نظریه‌پردازانی همچون ژان ژاک روسو و جان لاک و... رونق جدیدی به تئوری داد. در قرن هجدهم م. با وقوع انقلاب فرانسه بستری جدید برای نظریه‌پردازی در باب توسعه سیاسی فراهم شد (وفایی، ۲۰۱۴: ۳). اکنون که بیش از نیم‌قرن از شروع مطالعات و نظریه‌پردازی توسعه سیاسی گذشته است و

طی این مدت نظریه‌پردازان و پژوهشگران به مطالعه فرآیندهای توسعه سیاسی در کشورهای گوناگون پرداخته‌اند. «جریان توسعه‌گرایی کلاسیک و در چارچوب آن، مدرنیزاسیون، رهیافت نخستین پژوهش‌ها بود و به تدریج به منظور چیره شدن بر ضعف‌ها و کاستی‌های نظریه‌های نوسازی، جریان بازشناسی جامعه‌شناسی و مطالعات تاریخی چارچوب‌های کلان مطالعات را فراهم کرده‌اند؛ و به دنبال رویکردها در دهه‌های اخیر، نظریه‌های دموکراتیزاسیون و حکمرانی خوب نیز مطرح شده‌اند (باغخانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۹۳).

تأثیرات رانت

این نظریه که نفت قادر است کمبود دموکراسی در خاورمیانه را توجیه کند به جریان اصلی پژوهش درباره دولت‌های رانتیر تبدیل شده است. در نظریه دیگر که بر نبود مالیات مبتنی است، رانت‌های منابع باعث می‌شوند تا نیاز حکومت به دریافت مالیات از شهروندان برای کسب درآمد از بین برود؛ در نتیجه، تمایل شهروندان را برای پاسخگویی دولت کاهش می‌دهد. برخی پژوهشگران بر این باورند که در دولت‌های رانتیر خاورمیانه، ثروت نفت شکل‌گیری سرمایه اجتماعی را مانع شده و در نتیجه، از گذار به دموکراسی جلوگیری کرده است به عبارت دیگر، درآمدهای نفتی وابستگی دولت به مالیات‌ها را کاهش می‌دهد. این مسئله حکومت را از وظایف و الزامات خود در زمینه شفافیت و پاسخگویی به شهروندان رهایی می‌بخشد. برخی دیگر نیز مدعی‌اند سطوح پیشرفته‌تر رانت منابع، به طور مستقیم به سطوح حمایت بیشتر از سیاستمداران در رأس قدرت تبدیل می‌شود و گذار به دموکراسی را مشکل‌تر می‌کند (ر.ک شریف زادگان و قانونی، ۱۳۹۶: ۴). از سویی دولت رانتیر به طور عمده به رانت خارجی نیز وابسته است، در واقع در یک دولت تحصیلدار (رانت جو) تنها اندکی به کار تولید مشغول‌اند و اکثریت به امر توزیع یا استفاده از آن می‌پردازند، تولید ثروت دلیل تمام فعالیت‌ها است و استفاده از آن معلول به شمار می‌رود. به مثال عنوان در خصوص کشورهای تولیدکننده نفت نقش درآمدهای نفتی به قدری است

که علت اصلی دیگر فعالیت‌ها به شمار می‌رود. در دولت رانتیر و اقتصاد رانتی، تولید ثروت به وسیله بخش کوچکی از جامعه انجام می‌گیرد و مابقی جامعه به کار توزیع و استفاده از ثروت مشغول هستند و از آنجا که حکومت دریافت‌کننده اصلی رانت خارجی است، تنها شمار اندکی از مردم بر رانت خارجی نظارت دارند. بلاوی معتقد است که این اقتصاد نوعی روحیه رانت جویی ایجاد می‌کند. تفاوت اساسی روحیه رانت جویی با رفتار اقتصادی در این است که در رابطه علت و معلولی (کار و تلاش) خلل وارد می‌کند (فضلی نژاد و احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

پیامد رانتیریسیم بر ساخت دولت

به‌طور کلی می‌توان گفت که رانتیریسیم سه تأثیر عمده را بر ساخت دولت شامل می‌شود:

- افزایش استقلال دولت از جامعه

دولت رانتیر در مسیر کسب رانت، استقلال فنی و اقتصادی از جامعه دارد و همین موضوع سبب جدا شدن بدنه دولت از جامعه می‌شود و استقلال اجتماعی دولت رانتیر را در پی دارد، به عبارتی، ماهیت رانتیر دولت به گونه‌ای است که در آن جامعه وزنه قابل‌اعتنایی به شمار نمی‌رود زیرا منبع قدرت (نفت یا هر ماده خام دیگر) در اعماق زمین قرار دارد و دولت به صورت انحصاری عهده‌دار بهره‌برداری از این منبع طبیعی است (میر ترابی، ۲۱۶: ۱۳۸۴).

- ایجاد مانع در مسیر توسعه سیاسی

زمانی که دولت کنترل بخش اعظم ثروت موجود در جامعه (درآمدهای نفتی) را در اختیار می‌گیرد، زمینه کنترل منابع قدرت سیاسی و فرهنگی و اجتماعی جامعه را نیز به دست می‌آورد. این فرایند تمرکز منابع قدرت در دست دولت، از توزیع آن در سطح جامعه و قدرت‌یابی گروه‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند. در چنین فضایی امکان توسعه سیاسی و باز شدن فضای رقابت میان گروه‌های اجتماعی بر سر قدرت و در نهایت توسعه سیاسی و استقرار دموکراسی از جامعه سلب می‌شود (بشریه، ۱۳۸۹: ۳۸۴).

- تضعیف توان استخراجی و باز توزیعی دولت

در ادبیات سیاسی به‌ویژه در چارچوب نظریات مبتنی بر کارکردگرایی، نظام سیاسی به‌عنوان یکی از خرده نظام‌های اجتماعی کار ویژه‌های خاصی را بر عهده دارد که از جمله آن‌ها کار ویژه استخراج منابع از داخل جامعه و توزیع مجدد آن‌ها است. بر اساس این تحلیل، یکی از معیارهای عمده سنجش میزان کارایی یک نظام سیاسی، بررسی توان استخراج و توزیع مجدد منابع در داخل جامعه است (توحید فام، ۱۳۸۸: ۱۵۲)؛ دولت‌های رانتیر نه تنها در زمینه توان پاسخگویی به جامعه‌اند هستند، بلکه در خصوص استخراج و باز توزیع صحیح منابع در داخل جامعه نیز ناکارآمدند.

- تبدیل شدن دولت به توزیع کننده رانت

یکی دیگر از پیامدهای رانت بر دولت، تبدیل دولت به توزیع کننده رانت در جامعه است. دولت در چنین شرایطی اساسی ترین نقش را در توزیع ثروت در میان مردم ایفا می‌کند. این دولت همان دولت تخصیصی است که نظریه پردازان به دلیل اهمیت ویژگی توزیعی این دولت‌ها به آن‌ها دولت تخصیصی می‌گویند و آن‌ها را در مقابل دولت‌های تولیدی قرار می‌دهند. در چنین شرایطی کل نظام سیاسی و اجتماعی به میزان و چگونگی تخصیص هزینه‌های دولت وابستگی پیدا می‌کند (فضلی نژاد و احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

پیامد رانتیریسیم بر روابط دولت و جامعه

تأثیر رانتیریسیم بر روابط دولت و جامعه را می‌توان به دو صورت عمده مشاهده کرد: یکی دگرگونی در قشربندی اجتماعی و دیگری تغییر شکل تقابل دولت و جامعه.

الف) دگرگونی در قشربندی اجتماعی

دولت‌های رانتیر اساساً رانت را به شیوه نابرابری در سطح جامعه توزیع می‌کنند. در یک جامعه با ساختار رانتیر تمام افراد کم‌وبیش از مزایای ناشی از رانت بهره مند می‌شوند، اما میزان بهره‌مندی افراد از این رانت به شدت متفاوت است. دولت رانتیر اساساً از رانت به‌عنوان ابزاری برای کسب رضایت افراد جامعه و بالا بردن مشروعیت خود استفاده

می‌کند. یک دولت توزیع‌کننده رانت برخلاف دولت متکی به مالیات که باید انرژی فراوانی را برای استخراج درآمدهای موردنیازش صرف کند صرفاً باید تصمیم بگیرد که کدام‌یک از گروه‌های اجتماعی در دریافت رانت‌های نفتی برتری دارند (کاتوزیان، ۱۳۸۴:۳۳۶). لذا در همین ارتباط است که حازم بیلاوی و لوسیانی خاطرنشان می‌کنند که درآمدهای نفتی دولت را قادر می‌سازد که اتفاق نظر سیاسی را به سود خود خریداری کند.

ب) تضعیف ماهیت نمایندگی دولت

یکی از نتایج منطقی نظریه دولت رانتیر این است که از آنجا که رهبران دولت نیازی به استخراج منابع ندارند ضرورتی احساس نمی‌کنند که به نمایندگی کردن از مردم بپردازند. (فضلی نژاد و احمدیان، ۱۳۸۹:۱۳۷)؛ وابستگی فزاینده دولت رانتیر به درآمد رانت به این معنا است که از فشار مالی دولت بر جامعه کاسته شود، زیرا همان‌گونه که ذکر شد دولت‌های رانتیر اساساً به درآمد مالیات به‌عنوان منبع اصلی تأمین هزینه‌های خود توجهی ندارد. نظریه پردازان دولت رانتیر معتقدند در چنین شرایطی دولت در مقابل دریافت نکردن مالیات از جامعه به توافقی ضمنی با مردم دست می‌یابد که در چارچوب آن مردم دیگر انتظار ندارند تا دولتی منتخب و نماینده جامعه داشته باشند؛ به عبارت دیگر، شعار عدم دریافت مالیات در مقابل عدم وجود نمایندگی به‌جز اساسی از ساختار رانتیرسم تبدیل می‌شود. چنین توافقی سبب تحکیم پایه‌های قدرت و سلطه هرچه بیشتر دولت رانتیر بر جامعه می‌شود (همان: ۱۳۶).

اقتصاد رانتیر در ایران

در دوران پهلوی تأثیر نفت و درآمدهای آن بر ساختار سیاسی و اجتماعی ایران انکارناپذیر است و شاید بتوان گفت که تأثیر این متغیر در ایران حتی بیشتر از دیگر کشورهایی است که شرایطی مشابه ایران داشته‌اند. از این لحاظ شاید ایران اولین و بالاترین کشوری باشد که نفت در آن چنین جایگاهی داشته است. ایران اولین اعطاکننده امتیاز نفت به بیگانگان در سال ۱۹۰۱ بود و اولین استخراج صنعتی نفت در خاورمیانه در سال ۱۹۰۸ در ایران انجام

شد و اولین کشوری بود که صنعت نفت در سال ۱۹۵۱ در آن ملی گردید. دولت پهلوی دولتی رانتیر بود زیرا به طور منظم مقادیر عظیمی از رانت خارجی را دریافت می کرد. سه عامل میراث تاریخی یعنی نظام سیاسی پاتریمونیال در ایران، اوضاع داخلی ایران یعنی ناکامی جبهه ملی در اداره موفق کشور و وضعیت بین‌المللی یعنی شرایطی که آمریکا می‌کوشید دولت دست‌نشانده خود در ایران را حفظ کند تا به دام کمونیسم نیفتد زمینه‌ساز شکل‌گیری و تثبیت دولت رانتیر در ایران شد (حاجی یوسفی، ۱۳۹۳: ۱۲۶). «تدا اسکاچپول» با استفاده از نظریه دولت تحصیل‌دار، درآمدهای کلان نفتی پهلوی را که چهره غیر دموکراتیک به دولت بخشیده بودند، زمینه‌ساز انقلاب می‌داند (ازغندی، ۱۳۸۴: ۳۵۳).

تأثیرات دولت رانتیر بر شقوق اجتماعی - سیاسی

در نظریه اول دولت رانتیر موجب شکل‌گیری یا افزایش ذهنیت کوتاه‌مدت و تابع منفعت شخصی در افراد می‌شود. اینکه هر دولتی بر سرکار می‌آید به جای کاستن از قدرت و مداخله خود و تلاش برای رونق بخشیدن به کسب‌وکار خصوصی، در تلاش است تا با فروش بیشتر نفت که سرمایه ملی برای تمامی نسل‌های ایران است، وضعیت درآمدی و درنهایت محبوبیت و احتمال انتخاب مجدد خود یا حزب متبوعش را بهبود بخشد، حاصل همین ذهنیت است. کاهش کمی و کیفی سرمایه‌گذاری در حوزه سرمایه انسانی، کاهش نوآوری و کارآفرینی، جامعه مصرفی، افزایش فرار مالیاتی، کاهش سرمایه اجتماعی، تصمیمات بلندپروازانه در دوره‌های جهش قیمت نفت، فساد سیاسی و اقتصادی و ترجیح رابطه بر رقابت منجر به ساخت این نظریه شده‌اند (سلطانی، ۱۳۹۱: ۱۴).

بر طبق نظریه دوم دولت رانتیر موجب تضعیف فرایند دولت-ملت سازی می‌شود. فرایند دولت-ملت سازی فرایندی است که در بطن آن عوامل و نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در درون مرزهای سیاسی مشخص به گونه‌ای در روابط متقابل با یکدیگر رشد و تکامل می‌یابند که برآیند آن شکل‌گیری ساختار سیاسی دموکراتیک مبتنی بر نهادینه شدن اصول و ارزش‌های مدنی و حاکمیت مناسبات قانونی بین دولت و جامعه است. (پیشین). بر

همین اساس نمونه‌هایی همچون مشارکت کمتر مردم در تصمیمات، کاهش دموکراسی یا دموکراسی نمایشی، بی‌اعتمادی به دولت، کاهش کیفیت قوانین و سیالیت در اجرای آن‌ها، فرهنگ رانتی، کاهش پاسخگویی یا مسئولیت‌پذیری دولت، حامی پروری، کاهش تعهد کاری، احزاب ضعیف یا وابسته، خرید رأی، خرید مشروعیت، کاهش سرمایه اجتماعی، حقوق مالکیت ناکارآمد، آستانه بیش‌ازحد اشتباه در دولت، تشکیل یا بقای رژیم‌های اقتدارگرا و توسعه سیاسی ضعیف از تأثیراتی هستند که این نظریه بر مبنای آن‌ها بر ساخته شده است.

نظریه سوم بیان می‌دارد که دولت رانتیر موجب افزایش نابازار سویی اقتصادی می‌شود. افزایش نابازار سویی به این معناست که در دولت رانتیر، فرایندها به‌جای پیروی از سازوکار بازار برخلاف این مسیر حرکت می‌کنند یعنی دولت به‌جای آنکه برای جبران شکست بازار ایجاد شده و فقط نقش کمک به گسترش بازار و کسب‌وکار را داشته باشد، خود به توزیع‌کننده اصلی درآمدها تبدیل می‌شود. اختیارات دولت به‌جای آنکه تنها برای کمک به افزایش رقابت بازاری و رشد اقتصادی استفاده شوند، به انحصار و رانت‌های گسترده می‌انجامند. همچنین بخش عمومی خود به یکی از ناکاراترین و ناکارآمدترین نهادها بدل می‌شود زیرا قانون‌گذاری و اجرای قوانین ضعیف و مداخله بخش عمومی در حوزه‌های مختلف چشمگیر بوده که در آن ائتلاف منابع اقتصادی و سوءاستفاده از موقعیت بسیار شایع می‌شود. حتی بخش عمومی اوضاعی را ایجاد می‌کند که بخش خصوصی و افراد توانمند به‌جای تلاش برای نوآوری و کارآفرینی و تولید، جذب فعالیت‌های رانت‌جویانه شوند. در این وضع، کیفیت آموزش برای رقابت در فضای کسب‌وکار جای خود را به روابط و رانت‌ها می‌دهد و سرمایه انسانی و انگیزه برای اندوختن آن تضعیف می‌شود (سلطانی، ۱۳۹۱: ۱۵). به طور کلی، در کشورهایی که ساختار اقتصادی متکی به درآمد نفت است بین توزیع درآمد و کسانی که این درآمد را توزیع می‌کنند یک رابطه ایجاد می‌شود و رانت‌خواری یک بلیه عمومی می‌شود. قوانین شفاف نیست و تقسیم منابع بااراده

سیاسی انجام می‌گیرد. در این ساختار هر کس به رأس نزدیک‌تر باشد به رانت بیشتری دسترسی دارد و رقابت برای رانت به ایجاد فساد منجر می‌شود. مثلاً وابستگی ساختاری اقتصاد عربستان به نفت باعث پدید آمدن مشکلات عدم توزیع مناسب و عادلانه درآمدهای این محصول شده و این موضوع باعث افزایش فاصله طبقاتی و توسعه شکاف میان فقیر و غنی شده است. درآمدهای نفتی دو مشکل عمده را در مسائل اقتصادی و اجتماعی ایجاد کرده است: اولاً ایجاد وابستگی ساختاری به بازار جهانی و نوسانات قیمت نفت، دوم توسعه سرمایه‌داری تجاری وابسته به جای تولید. افزایش واردات، رواج الگوی مصرفی، تضاد طبقاتی و فساد در بخش‌های غیرنفتی قدرت که شاهزادگان به طور مستقیم و غیرمستقیم در آن نقش دارند قابل توجه است. علاوه بر این نزدیک به هفت هزار شاهزاده آل سعود در بخش‌های مختلف اجرایی کشور مجری‌اند و ائتلاف‌های عمده با تکنوکرات‌ها، بازرگانان برجسته و سایر گروه‌های قدرتمند کشور دارند (موثقی گیلانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۳ و ۱۰۶).

در دولت رانتیر از آنجا که درآمد عمده کشور از منبع خارجی ناشی است، کسری بودجه دولت و بی‌ثباتی اقتصادی نیز رخ می‌دهد و در اثر بیماری هلندی^۱، فرایند ضد صنعتی شدن رخ می‌دهد و قیمت کالاهای مبادله ناشدنی و خدمات افزایش می‌یابد. به علت نبود ضرورت ایجاد سازوکار برای مالیات ستانی بوروکراسی تضعیف می‌شود، سیاست‌های رفاهی بیش از حدی برای همگان اجرا می‌شود، بودجه بخش عمومی از وظایف ذاتی آن

^۱ بیماری هلندی (Dutch disease) یک مفهوم اقتصادی است که تلاش می‌کند رابطه بین بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی و رکود در بخش صنعت را توضیح دهد. این مفهوم بیان می‌دارد که افزایش درآمد ناشی از منابع طبیعی می‌تواند اقتصاد ملی را از حالت صنعتی بیرون بیاورد. این اتفاق به علت کاهش نرخ ارز یا عدم افزایش آن در حد نرخ تورم صورت می‌گیرد که بخش صنعت را در رقابت ضعیف می‌کند. درحالی که این بیماری اغلب مربوط به اکتشاف منابع طبیعی می‌شود، می‌تواند به «هر فعالیت توسعه‌ای که نتیجه‌اش ورود بی‌رویه ارز خارجی می‌شود» مربوط شود؛ مانند نوسان شدید در قیمت منابع طبیعی، کمک اقتصادی خارجی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (<https://www.hamshahrionline.ir/news/191845>).

منحرف می‌شود، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش می‌یابد و در نهایت رقابت اقتصادی تضعیف می‌شود. در نظریه سوم، علت تأکید بر جنبه اقتصادی نابازارسویی آن بوده است که با توجه به مرتبط بودن مطالب مربوط به بازار سیاسی با فرایند دولت-ملت سازی، این دو نظریه هم‌پوشانی کمتری داشته باشند. در جدول زیر مهم‌ترین تهدیدهایی که رانتیریسم در روند توسعه‌ی سیاسی آمده است:

جدول تهدیدهای رانتیریسم در توسعه سیاسی

عنوان	توضیحات
عدم جدیت در دریافت مالیات از مردم در مقابل عدم پاسخگویی دولت به ملت	وابستگی شدید دولت به ثروت حاصله از رانت باعث کاهش بار مالی دولت بر جامعه شده و به همین دلیل دولت رانتیر عزم جدی برای دریافت مالیات از مردم ندارد. در چنین شرایطی به دلیل عدم دریافت مالیات از مردم نیازی به اعطای دموکراسی به آن‌ها نمی‌بیند
تمرکز منابع عمده درآمد در دست دولت	در دولت‌های رانتی، دولت دریافت‌کننده و تولیدکننده انحصاری رانت است و دولت تصمیم می‌گیرد که رانت در کدام قسمت‌های جامعه هزینه گردد
عدم شکل‌گیری گروه‌های مستقل اجتماعی	با تمرکز قدرت در دستان دولت، امکان توسعه سیاسی و باز شدن فضای رقابت میان گروه‌های اجتماعی برای کسب قدرت و نهایتاً توسعه سیاسی از جامعه سلب می‌گردد
استقلال دولت از جامعه	ماهیت رانت به شکلی است که در آن جامعه وزنه قابل‌اعتنایی به شمار نمی‌رود، زیرا دولت در سایه دریافت رانت از خارج دیگر به منابع داخلی (مالیات، عوارض و صدور کالاهای صنعتی و غیره) احساس نیاز نمی‌کند
زمینه مداخلات گسترده خارجی در کشور	ذخایر رانتی دارای جاذبه‌هایی توسط کشورهای ابرقدرت جهان هستند و همواره آن‌ها قصد دخالت در سیاست‌های آن کشورها دارند
کاهش امنیت ملی	وابستگی شدید اقتصاد به منابع طبیعی شرایطی را ایجاد می‌کند که عواملی مانند تحریم اقتصاد را تضعیف و به دنبال آن ضعف امنیت ملی ایجاد شود

منبع: نگارنده

نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش شد تا اتکای دولت‌ها به درآمدهای نفتی (اقتصاد رانتی) در فرایند توسعه سیاسی مورد بررسی قرار بگیرد. رانت درآمد ناشی از اشتغال یا مالکیت یک حق نهادی شناخته شد که مالک برای دریافت این درآمد کمکی به تولید اجتماعی نکرده است. یک دولت رانتیر نیز متأثر از اقتصاد تک‌محصولی و متکی بر انحصار فروش کالایی مثل نفت، منجر به شکل‌گیری نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌شود که در درون مرزهای سیاسی مشکلاتی را در پی دارد؛ از آن جمله می‌توان به مسائلی از قبیل افزایش استقلال نه‌چندان مناسب دولت از جامعه، تضعیف توان استخراجی و باز توزیعی دولت، تبدیل شدن دولت به توزیع‌کننده رانت، دگرگونی در قشربندی اجتماعی، تضعیف ماهیت نمایندگی دولت و تشدید روحیه مصرف‌گرایی و رانت جوئی اشاره کرد. در مجموع، بر اساس تعاریف ارائه‌شده از یک دولت رانتیر می‌توان عنوان داشت از آنجایی که به اتکای منبع درآمدهای خود کمتر نیازمند کسب درآمد از جامعه همچون منابع مالیاتی است بنابراین کمتر نیز پاسخگو خواهد بود. برخلاف کشورهایی که از یک نظام مالیاتی قوی و کارا برخوردارند اما مسئله رانت موجب پررنگ شدن اقتصاد زیرزمینی و پنهان در جوامع می‌شود. مهم‌ترین تهدیدهایی که رانتیرسم در روند توسعه‌ی سیاسی دارد عبارت‌اند از: عدم جدیت در دریافت مالیات از مردم در مقابل عدم پاسخگویی دولت به ملت، تمرکز منابع عمده درآمد در دست دولت، عدم شکل‌گیری گروه‌های مستقل اجتماعی، استقلال دولت از جامعه. آنچه به‌عنوان راهکارهایی است که برای خروج از اقتصاد رانتی پیشنهاد می‌شود، عبارت‌اند از توجه به موضوع منابع طبیعی به‌عنوان سرمایه، کوچک کردن دولت، نهادینه‌سازی مالیات، گسترش صادرات غیرطبیعی، جلوگیری از ذخیره کردن نقدینگی، جریان داشتن یک جریان آزاد اطلاعات، اصلاح الگوی مصرف، حذف یارانه‌ها، جلوگیری از اقتصاد چرخشی رانتی و درنهایت جلوگیری از آزادسازی یک‌باره و سریع اقتصاد.

منابع

- احمدیان، مرتضی؛ سیف‌الله فضل‌نژاد، اقتصاد رانتی در ویران راه‌های برون‌رفت از آن، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌های ۱۱ و ۱۲ بهمن و اسفند ۱۳۸۹.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴) درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران: قومس.
- باغخانی، سعید؛ فتحی، سروش؛ نوابخش، مهرداد؛ کفاشی، مجید (۱۳۹۹)، تهدیدهای رانتیسم در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۴، شماره ۴، تابستان ۹۹، صفحات ۸۹-۱۱۰.
- بشریه، حسین (۱۳۸۹) موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران: گام نو، چاپ پنجم.
- توحیدفام، محمد (۱۳۸۸) دولت و دموکراسی، تهران: انتشارات روزن
- شریف زادگان، محمدحسین؛ قانونی، حسین (۱۳۹۶)، تحلیل و مفهوم‌سازی نظری تأثیرات دولت رانتی بر عاملیت و ساختار جامعه و اقتصاد شهری در ایران، فصلنامه اقتصاد شهری، دوره ۲، شماره ۱، توالی ۲، سال ۱۳۹۶، صص ۱-۱۸.
- طیبیان، محمد (۱۳۸۴) رانت اقتصادی به‌عنوان یک مانع اقتصادی، مجله برنامه و توسعه، شماره ۴.
- غفاری، امید؛ کتابی، محمود؛ واعظ، نفیسه (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی توسعه سیاسی در عصر مشروطیت و نخستین دهه انقلاب اسلامی (۶۷-۵۷) با تأکید بر توزیع قدرت، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال هشتم، شماره اول، صص ۱۷۲-۱۳۷.
- فضل‌نژاد، سیف‌الله؛ احمدیان، مرتضی (۱۳۸۹)، اقتصاد رانتی در ایران و راه‌های برون‌رفت از آن، ماهنامه مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۸۹، صص ۱۵۸-۱۲۹.
- قاسمی، علی‌اصغر (۱۳۸۶)، ویژگی‌ها و پیامدهای ساختار رانتی در ایران، مجله فرهنگ و اندیشه، شماره ۱۱.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۴)، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- موثقی گیلانی، سید احمد؛ عبادی، روح‌اله؛ فعال نظری، سید علی (۱۳۹۸)، نقش ساختار اقتصادی بر تداوم شکاف‌های اجتماعی عربستان سعودی، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۸، صص ۹۵-۱۲۰.
- میر ترابی، سعید (۱۳۸۴)، مسائل نفت ایران، تهران، قومس.